

نقد

صداقت، روایت شفاف صادقی

جاوید رمضان

● استاد صادقی را نخستین بار در سال ۸۱ به همراه دوست و همکار قدیمی وی زنده‌یاد علی اصغر معصومی ملاقات کردم. من که خاطرات تصویری بسیاری از وی داشتم و بعداً در دهه ۷۰ همیشه از دور شاهد فعالیت و نقاشی وی در گالری سبز بودم در این ملاقات پاسخ بسیاری از کنجکاوی‌های خود را یافتم. و امروز که تولد ۸۴سالگی وی در خانه هنرمندان برگزار شد بهانه‌ای یافتم تا به بازخوانی روند صادقی و فهم گویش تصویری وی بپردازم. لیست اختراعات و فعالیت‌های استاد آن‌قدر بلند است که در این مقال نمی‌گنجد. البته در مقام مقایسه با هم‌نسلاش همین‌قدر بگویم که باز هم پرکارتر از او نداریم شاید به این دلیل که در طی سال‌ها صادقی درگیر رقابت‌های روشنفکرانه و شهرت‌طلبانه زمانه خود نشد. قابل ذکر آنکه منتقدی مانند جواد مجابی در کتاب نود سال نوآوری در هنرهای تجسمی (نشر سال ۹۵) نامی از وی نبرده است. در همان سال ۹۵ نمایشگاهی از آثار صادقی در گالری شیرین به همراه روتنامی کتابی وزین در سه جلد از مجموعه آثار وی برگزار شد. در نشست خبری این اتفاق جواد مجابی او را هنرمند نئوکلاسیک ایرانی و روایتگر می‌داند.

صادقی نزدیک‌ترین نمونه به تعریف هنرمند شرقی نسبت به دیگر هنرمندان هم‌عصرش است و او که در دبیرستان جم قلهک درس خواند و همکلاس با هنرمندان مطرحی مانند زنده‌یاد عباس کیارستمی، آیدین آغداشلو … بود به سرعت به عنوان نقاش در ارتباط با مردم قرار گرفت. استاد در اتوبیوگرافی خود می‌گوید که در دبیرستان کار نقاشی‌اش رونق می‌گیرد و سفارش‌های گرافیک و نقاشی بسیاری دارد. نادر ابراهیمی در سال ۱۳۷۱ کتابی در تحلیل از آثار طراحی تحت عنوان (الفبا) نگاشت و وی را نقاشی فیلسوف معرفی کرد. توجه صادقی به زندگی و روایت انسان‌شناسانه و پدیدارشناسانه او در آثارش خصلتی است که از رابطه نگاره با متن ادبی در هنر ایرانی ریشه گرفته است. نگارگری ایرانی هیچ‌گاه به تنهایی سخن نگفته و همیشه در تبیین روایت تعلیمی نقشی تفسیری یا توصیفی داشته است.

علی‌اکبر صادقی که در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه هنرهای زیبای تهران مشغول به تحصیل شد، از بستر مردم و دیدگاه جامعه سنتی به هنر روی آورد. فعالیت خستگی‌ناپذیر استاد صادقی در ۲۰ سال کار هنری در زمینه‌های نقاشی، تصویرگری، انیمیشن، گرافیک و حتی گالری‌داری مثال‌زدنی است و کمتر مخاطبی است که با روایت زیست هنری این هنرمند آشنا نشود و در مقابل حجم کارکرد و پویایی او سر تعظیم فرود نیاورد.

شاید وسیع‌ترین مفهوم و ارزش زیبایی‌شناسانه آثار استاد صادقی در آثار تصویرگری او رخ می‌نمایند. همکاری با کانون پرورش فکری که در آن روزگار از مراکز پیشرو و تحول‌خواه عرصه‌های جدید هنر چون انیمیشن و تصویرسازی بود فرصتی برای هنرمند فراهم آورد که تجربه کار نقاشی خود را در محک دآوری مخاطبان عام و دیدگان منتقدین ورزیده قرار دهد. علی‌اکبر صادقی هنرمند خلاق است که خلاقیت جزئی از لحظات زندگی او شده است. در عین صفا و صمیمیت هنر او وسیله گسترش عشق و دوستی می‌داند. کمتر هنر ایرانی است که خاطره‌ای از تصاویر کارشده او در کتاب‌های درسی و داستانی نداشته باشد.کتاب‌هایی چون پهلوان پهلوان، عبدالرزاق پهلوان، گردآفرید، عبادتی چون تفکر نیست، حقیقت بلندتر از آسمان، فرغ‌سازان و … . شایان ذکر است که غالب آثار هنرمند در بستر اسطوره‌های و حماسی یا قصه‌های دینی شکل گرفته‌اند. صادقی هنرمندی است که از بستر تربیت هنر حسن و جمال و عشق به طبیعت، سفر خود را آغاز کرده است و در طی این سال‌ها این رویه را حفظ کرده و در وجه فنی هنر دارای توانایی منحصربه‌فردی در بین هم‌سلان خود است. تجربه‌گرایی وسیع او در سبک‌ها و شیوه‌های هنر همچنین در رویکرد به مفهوم شیء هنری حد و مرزی نمی‌شناسد. آثار جمعی، تابلوهای آبرنگ و رنگ روغن، طراحی با کارآمده‌های متفاوت، تصاویر متحرک، حتی تلاش در حوزه خط‌نقاشی حیطه وسیع آثار او را تشکیل می‌دهند. این تجربه‌گرایی محدود به شیوه‌های فنی نبود بلکه در زیبایی‌شناسی و گرایش‌های سبکی از آثار آبرسته تا فراواقع‌گرا هم تنوع قابل بحثی را ارائه داده است. استاد صادقی خود را متعهد به هنر ایرانی دانسته و نقطه الهام هنر خود را گنجینه فرهنگ ایرانی می‌داند. دایره‌های عظیم از هنر باستانی تا آثار سفالین پیش از تاریخ و نقاشان قهوه‌خانه‌ای همگی مرجع ایده‌پردازی و پرباهوی ذهن خلاق اوست.

در تحلیلی کلی می‌توان جهان‌بینی و ساختار فرهنگ تصویری علی‌اکبر صادقی را بر اصول منحصی استوار گردانید:
۱. رویکرد به عالم خیال و اسطوره
۲. امحای رسانه به‌عنوان امر غایی در هنر
۳. تک‌رسم و استعلای انسان به‌عنوان مرجع و مخاطب هنر
۴. عبور از مدرنیسم در جهت تحقق فضای هنر بومی.

بی‌شک در تاریخ هنر معاصر ایران علی‌اکبر صادقی نقطه درخشانی برای آیدنگار بر جای نهاده است.

لا چرا آنچه را که مدنظر داشتید، در سه کتاب منتشر کردید؟

به این خاطر که در هر دوره دانش من نسبت به زوایای مختلفی از بزرگی و استعداد‌های استاد روشن شد و علاوه بر این بعضی مسائل را در کتاب اول، «یادمان» بنا به خواست او و با احتیاط نوشتم اما در زمان نگارش «چلچراغی در تاریکی» دیگر این ملاحظات وجود نداشت. یادم است که در ملاقاتی درباره نگارش این کتاب به استاد گفتم که دیگر وقت بیان تمام آن نگفته‌ها است و او نیز قبول کرد.

لا شروع این راه یعنی تصمیم به نگارش نخستین کتاب درباره استاد صنعتی چطور شکل گرفت؟

من از زمان تحصیل در اصفهان استاد را از دور می‌شناختم و در اصفهان چند کار از استاد دیده بودم. وقتی به تهران بازگشتم تصمیم گرفتم درباره شاگردان مکتب کمال‌الملک کتاب‌هایی تألیف کنم؛ به طور مثال کتابی به نام یادمان علی رخساز نوشتم که توسط مرکز گسترش و هنر منتشر شد. در همین کپ‌وگفت بود که توفیق یافتن استاد را پیدا کردم. وقتی خدمت استاد رسیدم زندگی پر از سادگی و صفا را دیدم و در همان برخورد اولیه جذب بی‌آلایشی و هوش ایشان شدم. وقتی درباره تصمیم خودم برای نگارش کتاب زندگی ایشان توضیح دادم، او به من گفت: «جرت ۷۰ساله من را باره نکن. بسیاری در این سال‌ها سراغ من آمدند و مدعی شدند که درصد نگارش زندگی من هستند، اما هرگز این کار را به سرانجام نرساندند.» من به‌تدریج توفیق یافتم که همچون فرزندی در نگاه او باشم و مثل سه پسر خودشان - که آنها هم راه پدر را پیش گرفتند - به من نگاه کنند. حال دیگر نمی‌خواستم کار تحقیقی باشد، چراکه زندگی او از جهات مختلف قابل تامل و جذاب است. من خودم پیشنهاد دادم که استاد کتاب را قبل از چاپ بخواند.

لا جزئیات لحظه‌ای که استاد برای اولین بار کتاب را خواندند، به یاد دارید؟ واکنش او در لحظه چه بود؟
اتاقی در چاپخانه کتاب به آنجا آمد. من تمام متن برای مطالعه کتاب به آنجا فرستادم. برای مطالعه کتاب به منتظر جواب کنکور خود بوده، بیرون از اتاق مضطرب در انتظار نظر استاد بودم. گرچه من کتاب‌های دیگری هم نوشته بودم اما عظمت صنعتی برای من به گونه‌ای دیگر بود. در همین حین دیدم استاد عینک از صورت خود برداشت و دستمالی از جیب آورد و شروع به پاک‌کردن اشک‌های خود کرد. داخل اتاق رفتم و او رو به من گفت: «من از این علی‌اکبر صنعتی خیلی خوشم آمده، خیلی دوست داشتم علی‌اکبر صنعتی باشم که تو نوشتی.» قطعاً از تواضعشان بوده است.

لا شما گفتید که انگیزه‌تان در شروع راه به بررسی شاگردان مکتب کمال‌الملک برمی‌گشت. بعضی معتقد هستند که استاد صنعتی به طور مستقیم زیر نظر کمال‌الملک آموزش ندیده، بنابراین چندان نمی‌توان او را به این مکتب منتسب دانست.

زمانی که استاد صنعتی به تهران می‌آید، کمال‌الملک به نیشابور رفته بود. صنعتی به مدرسه صنایع قدیمه با مدیریت تاج‌زاده بهزاد رفت. مدرسه‌ای که براساس مینیاتور و نقش فرش بود، در نتیجه با روحیات صنعتی هماهنگ نبوده و او از آنجا بیرون می‌زند. در همین دوران ابوالحسن‌خان از اروپا آمده بود. ابوالحسن‌خان از پدیده‌های این مکتب بوده که زیر نظر مستقیم کمال‌الملک آموزش دیده و علاوه بر حضور او، استادانی مانند شیخ، حیدریان و سایر استادان در این مدرسه به آموزش می‌پرداختند. در واقع مکتب کمال‌الملک همچنان در جریان بود. حتی کمال‌الملک از طریق استادان حاضر در مدرسه درباره استعداد این کودک آگاه شده بود. در سال‌های بعد نیز صحبت ابوالحسن‌خان صدیقی مبنی بر اینکه صنعتی مایه افتخار مکتب کمال‌الملک شده، تأییدی بر حضور مؤثر استاد صنعتی در این مکتب شده است.

لا آیا به یاد دارید که علی‌اکبر صنعتی بیشتر خودش را تحت تأثیر کدام‌یک از استادان مکتب کمال‌الملک می‌دانست؟

تجسمی



گفت‌وگو با هادی سیف درباره علی‌اکبر صنعتی

آبروی مکتب کمال‌الملک

این علی‌اکبر صنعتی را خیلی دوست دارم

شهرزاد رویایی

کم نیستند پژوهشگرانی که به زندگی بزرگان فرهنگ و هنر می‌پردازند و در یک مقطع کتاب یا کتاب‌هایی از یک هنرمند را منتشر می‌کنند، اما هادی سیف، پژوهشگر پیش‌کسوت هنرهای ایرانی، روندی دیگر داشته و در سه دوره مختلف به زندگی علی‌اکبر صنعتی پرداخته است. او مانند سایر پژوهش‌ها و کتاب‌های خود در عرصه هنر، ابتدا به قصد شروع فعالیتی صرفاً پژوهشی به «صنعتی» نزدیک می‌شود، اما در ادامه کویبی او را مراد می‌بیند و جنبه‌های مختلف زندگی صنعتی، او را به توجه و بررسی دوباره وامی‌دارد. بر خلاف آنچه ابتدا در ذهن افراد نقش می‌بندد، او در سه کتاب علاوه بر فعالیت هنری، بر زندگی شخصی و خصوصیات فردی علی‌اکبر صنعتی، نقاش و مجسمه‌ساز محبوب کرمانی، توجه بسیاری داشته است. ارتباط هادی سیف با استاد صنعتی تا حدی پیش رفت که سیف هنوز هم بعد از انتشار سه کتاب، ناگفته‌هایی شنیدنی از استاد صنعتی در دل دارد. «یادمان استاد علی‌اکبر صنعتی»، «شور و عشق» و «چلچراغی در تاریکی» سه عنوانی است که هادی سیف برای کتاب‌هایی درباره استاد صنعتی برگزیده است.

بله، بعضی استادان خود از جمله حسین شیخ، حسن‌علی وزیری، اسماعیل آشتیانی و علی‌محمد حیدریان را به طور خاص در یاد داشت، اما علی‌محمد حیدریان را به گونه‌ای دیگری یاد می‌کرد و در واقع توانایی خود در آبرنگ را مدیون او می‌دانست. ابوالحسن‌خان صدیقی را نیز به دلیل کمک‌هایی که در زمان مدیریتش در مدرسه، به سید کرده بود، بسیار محترم می‌شمرد. استاد تعریف می‌کرد که گچ و سنگ لازم برای تمرین و شروع مجسمه‌سازی را نخستین بار ابوالحسن صدیقی برای او خریده بود و در مجموع امکانات لازم را برای او فراهم می‌کرد. مجسمه «سیاه‌نزن» از استاد ابوالحسن صدیقی علاقه او را به مجسمه‌سازی جلب کرد.

لا استاد صنعتی کمتر از ۳۰ سال سن داشتند که به جمع‌آوری آثارشان برای موزه‌ها می‌پردازند. شما چه انگیزه‌ای را در پس این اقدام استاد می‌بینید؟

یکی از ویژگی‌های جمعیت شیر و خورشید سابق و هلال‌احمر امروز، رسیدگی به کودکان بی‌پرست بود. استاد براساس آرمان خود‌ها به این سازمان اعلام می‌کند که من هم یکی از یتیمان هلال‌احمر هستم و فارغ‌التحصیل شدم‌ام. اکنون تصمیم دارم برای کودکان یتیم و درباره آنها فعالیت هنری انجام دهم. ساختمان موزه توپخانه در سال ۱۳۲۵ توسط شیر و خورشید

سابق در اختیار استاد صنعتی قرار داده شد. استاد با علم بر اینکه چنین فضایی توسط این نهاد در اختیار او قرار داده شده، اقدام به اجرای اهداف خود در راستای حمایت از بستر مردمی کرد. او در این راه اقتضار توده جامعه را از جمله کفکش، کلارک، پنا، یتیمان و… را در قالب آثارش به صورت مجسمه، پرتره آبرنگ و رنگ و روغن نشان می‌داد. او تنها نقاش مکتب کمال‌الملک بود که بدون اینکه سیاسی باشد به دنبال مردم و ارائه آثار در راه آنها است. شیر و خورشید هم از این استعداد استقبال کرده و در ادامه پیشنهاد تأسیس موزه در چهارراه کالج را به استاد دادند؛ البته این موزه چندان محبوبیت کافی پیدا نکرد و زود جمع شد.

هرگز، استاد نقاشی مردمی بود که در آثار خود در بی انعکاس بستری که از آن برخاسته، بود. استاد هنرمندی مردمی بود.

لا بسیاری از هنرمندان منتسب به مکتب کمال‌الملک از دهه ۴۰ به بعد دست به تجربیات جدیدی می‌زنند و مدرنیسم را می‌آزمایند. استاد صنعتی تا چه حد در این مسیر قدم گذاشت؟

علی‌اکبر صنعتی در ارائه اثر و قدم‌نهادن در تجربیات جدید کاملاً پیشتاز بود و این شیوه از نظر من مدرن است. او از همان ابتدا که همه به نقاشی و ساخت مجسمه‌هایی از افراد برجسته مشغول بودند، راه دیگری پیش گرفت و آثارش را بر طبقه مردم کوچه و بازار متمرکز کرد. استاد نقاشی‌هایی از پرندگان، جوجه خروس می‌کشید و یک راهبای و لطافتی داشت که تجربیات جدید او را به‌عنوان هنرمندی غیرمدرن در نظر گرفت. سه وجه در آثار استاد باید در نظر بگیریم، از نظر سوزه باید بدانیم که مردم و نوع زیست آنها را مدنظر قرار داده است. از طرفی پرتره‌های آبرنگ او بی‌نظیر می‌زنم و دیگر خود قلم‌مو اثر را پیش می‌برد. همچنین باید اشاره کنم که استاد هرگز اهل شرکت در گالری و نمایشگاه … نبود. هرکس تصمیم داشت اثری از او بخرد باید به میدان پیروزی می‌رفت و در منزل استاد آثار را می‌دید. او در تکنیک آبرنگ حلاوتی دارد و راهبر است و حافظ مکتب کمال‌الملک. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فعالیت هنری استاد، موزاییک از سنگ‌هایی بود که با اقتباس از علی رخساز می‌ساخت. او همیشه با خنده می‌گفت که در سنگ زکوند خنبد.

لا از فعالیت‌های استاد در دهه ۶۰ هجری شمسی اطلاعاتی در اختیار نیست، شما در یاد دارید که آن زمان چه شرایطی داشتند؟

استاد در سال ۱۳۶۱ تصادف سختی کرد و خانه‌نشین شد. در واقع استاد سال‌های دهه ۶۰ بیشترین فعالیت خود را داشت؛ چراکه مجبور بود که در خانه بماند.

لا آیا علی‌اکبر صنعتی به هنرهای دیگر هم علاقه داشت؟

استاد شاعر بسیار توانایی بود و شعرهای زیبایی سرود. هر بار که از او خواستم تا شعرهایش را جاب کند، هرگز راضی نشد.

لا در خاطرات خودتان و استاد از شروع تا پایان چه لحظاتی را برجسته می‌شمارید؟

من و استاد همراه یکدیگر شده بودیم و با هم بیرون می‌رفتم. کاهی همسرشان در حضور خود استاد می‌گفت که سید همیشه در پی خرید گچ و فعالیت هنری بود. در ادامه حرف خود را تکذیب می‌کرد و بیان می‌کرد که آن‌ها قاسید ولی نعمت من است. استاد در دوران بیماری از تکلم ناتوان بود و هرگاه به دیدارش می‌رفتم، او نگاه می‌کرد و اشک می‌ریخت. بیرون می‌اسدم و کودکانه مثل طفلی یتیم، گوشه خیابان اشک می‌ریختم. متأسفانه وقتی که استاد از دنیا رفت، کتاب «چلچراغی در تاریکی» نیمه‌کاره بود و حسرت خوردم که چرا کتاب کامل را به دستشان نرساندم. در آن زمان من متوجه جهانی‌بودن استاد شدم، زیرا این خبر در جهان منعکس شد و من شاهد واکنش‌های هنرمندان جهانی بودم.

لا درباره انعکاس هنر علی‌اکبر صنعتی در جهان توضیح بیشتری دارید؟

او در گوشه‌ای نشستند بود اما آثارش در دنیا راه یافته بود. برای مثال در نمایشگاه ایران و شوروی استاد صنعتی و آلبرت هومنان یکدیگر را ملاقات می‌کنند و او از هومنان درخواست می‌کند که آبرنگ را به من بیاورد؛ اما هومنان به او می‌گوید تو از سرزمین رنگ‌ها می‌آیی و توانایی‌ات به حدی است که من باید از تو بیاومزم. استاد همیشه ارادت خاصی به هومنان داشت و این موضوع را به زبان یادآور می‌شد.

هر سه کتابی که هادی سیف درباره علی‌اکبر صنعتی نوشته، تاکنون مورد تأیید بسیاری از مجامع ادبی و جشنواره‌ها بوده و مورد تقدیر قرار گرفته است.

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

سیفا

گالری گردی

آثار مسعود کیمیایی در گلستان

روی دیگر فیلم‌ساز محبوب

● مسعود کیمیایی، فیلم‌ساز شناخته‌شده سینمای ایران، مجموعه‌ای از نقاشی‌هایش را که در ایام همه‌گیری کووید-۱۹ کشیده، از ۵ آذر، در گالری گلستان به نمایش گذاشته است. احتمالاً خبر برگزاری این نمایشگاه را بتوان یکی از مهم‌ترین اخبار فرهنگی ایران در طول این هفته خواند. اول از آن‌رو که کیمیایی چهره‌ای محبوب نه فقط در بین علاقه‌مندان به سینما که در بین عموم مردم است. دوم از آن‌رو که تاکنون این سینماگر در حوزه‌های نظیر ادبیات دست به انتشار آثاری زده بود، ولی تا به این لحظه آثار نقاشی‌اش دیده نشده بودند و سوم اینکه گالری گلستان در مدت اخیر و بعد از بازگشایی رسمی‌اش بعد از همه‌گیری بیماری ویروسی جدید، سه نمایشگاه از آثار هنرمندان بنام و مشهور را نمایش داده است؛ دو نمایشگاه از آثار سیدمحمد احصابی، هنرمند خوش‌نویس و نقاشی‌خط برجسته به کوریتوری بهزاد حاتم و یک نمایشگاه از آرشبو عکس‌های سینا خزیمه و مانی رضایی، از عکس‌های صحنه و پشت صحنه فیلم‌های مسعود کیمیایی با عنوان «غزل‌غزل‌های کیمیایی» که هفته قبل برگزار شد. به همین سه دلیل می‌توان نمایشگاه جدید گالری گلستان از آثار نقاشی مسعود کیمیایی را یک رخداد مهم فرهنگی در نظر گرفت. وجهی تازه از این چهره برجسته هنری را مقابل‌مان می‌کشد؛ای فرصت جذابی است برای تماشاگران آثار متفاوت از هنرمندی که شهرتی فراوان و هواداران پر تعداد دارد. نمایشگاه نقاشی‌های مسعود کیمیایی از ۵ تا ۱۷ آذر ۱۴۰۰ در گالری گلستان به نمایش درمی‌آید و علاقه‌مندان می‌توانند هر روز به جز پنجشنبه‌ها، از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به گالری گلستان به نشانی دروس، خیابان کمااسبی، شماره ۳۴ مراجعه کنند.

آثار جدید رضا بانگیز در جاوید

هنرمند طنان در لباسی نو

● رضا بانگیز، مجموعه‌ای جدید از آثارش را در گالری جاوید به نمایش درآورد. این نمایشگاه از روز جمعه ۵ آذر افتتاح و به مدت یک هفته تا ۱۲ آذر در این گالری برپا خواهد بود. رضا بانگیز متولد سال ۱۳۱۶ است و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نقاشی‌بانهده. به‌عتر نشان درجه یک هنری را که معادل مدرک دکتر در نظر گرفته می‌شود از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. این هنرمند شیوه و سبکی خاص در چاپ دستی دارد و در طول چند دهه فعالیت هنری باعث شهرت و محبوبیتش در میان اهل هنر شد. او که معمولاً از داستان‌های فولکلوریک ایرانی الهام می‌گیرد، با طنازی این آثار را اجرا می‌کند. اما فرایگ از چاپ دستی بانگیز نقاش و مجسمه‌سازی پدید است؛ چنان‌که اخیراً به شکل جدی دوباره آثار نقاشی خلق کرده و از سوی دیگر یکی از مجسمه‌هایش نیز در حراج تهران ارائه شده و به فروش رسید. او هم‌اکنون در ۸۴سالگی چهره‌ای شناخته‌شده و اهل تجربه در هنر ایران به شمار می‌آید که تقریباً همیشه به خلق آثار هنری مشغول بوده است. گالری جاوید که میزبان آثار جدید رضا بانگیز است به نسبت گالری نویابی است و نمایشگاه کنونی را می‌توان یکی از مهم‌ترین نمایشگاه‌های این گالری در مدت‌زمان تأسیس در نظر گرفت. این گالری به نشانی میدان فاطمی، خیابان جویبار، خیابان زرتشت‌غری کوچه یزدان، شماره ۱۷، واحد ۱ از ۵ آذر تا ۱۲ آذر ۱۴۰۰ میزبان آثار جدید رضا بانگیز است. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه، به جز روزهای یکشنبه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ برای تماشای آثار به این گالری مراجعه کنند.

«معاصریت/توالی/اثر» در گالری همه

مسئله فقط قیمت پایین‌تر نیست

● «معاصریت/ توالی / اثر» نمایشگاه گروهی چاپ هنری، از روز جمعه، پنجم آذر ۱۴۰۰، در گالری «همه» افتتاح شد و تا ۱۵ آذر برپا خواهد بود. در این نمایشگاه که با کوریتوری رسول احمدی برگزار می‌شود، ۱۵۸ اثر از ۷۵ هنرمند مطرح و نام‌آشنا به نمایش درمی‌آید. در اس‌تیمت‌ت این نمایشگاه آمده است: «تکثیر تیغ دو دمی است که از سوئی روی در ابتدال مغز مخاطب و از سوی دیگر توجه به تیزه‌زدایی و خلقی‌کردن ایده دارد. چاپ هنری در این مرز نه‌چندان بار یک متولد می‌شود و می‌کوشد مفهوم هنر را از قید قشر توانگر اقتصادی و فرهنگی برهاند و توده‌ها را در تماشاً و تملک شریک کند. البته نباید درباره این اشتراک دچار خام‌دنبشی شوم؛ مراد قیمت پایین‌تر اثر چاپی نسبت به آثار تک‌نسخه‌ای نیست. وقتی اثری تکثیر شد، هرکس که جسم یکی از نسخه‌ها را تملک می‌کند در روح آن اثر، با دارندگان دیگر نسخه‌ها شریک می‌شود و به تعداد هر بار تماشاً در هر نقطه‌ای از این جهان روح اثر انبساط می‌یابد. از این درجه است که چاپ، هنر مردمی است و کار و بارش تیزه‌زدایی از هنر و هم‌وندان هنر است. این نمایشگاه تلاش کوچکی است برای بیشتر دیده‌شدن چاپ هنری در روزگار کالایی‌شدگی هنر ایرانی.»

«معاصریت/ توالی / اثر» تا پانزدهم آذر، شنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۰ تا ۲۰ و جمعه‌ها ساعت ۱۶ تا ۲۰ به محل گالری «همه» به نشانی ولی‌عصر، نرسیده به زعفرانیه پلاک ۲۸۸۰، میزبان هنردوستان خواهد بود. گالری روزهای چهارشنبه تعطیل است.